



مطالعه‌ی تطبیقی قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه در «نهج البلاغه» و «گزارش قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه»

ستار عزیزی^{*}

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۱۸

چکیده

قواعد بشردوستانه، دستاورد بزرگ نظام حقوق بین‌الملل در قرون نوزدهم و بیستم محسوب می‌شود. حمایت از غیرنظامیان و چگونگی رفتار با افراد خارج از صحنه نبرد (مجروحان، بیماران، فراریان و اسیران)، احترام به اجساد کشته‌شدگان و مردگان، ممنوعیت توسل به هر شیوه‌ی جنگی به‌ویژه منع به قحطی کشاندن دشمن و منع عمل متقابل از جمله اصول و قواعد بنیادین نظام حقوق بشردوستانه می‌باشند. بسیاری از این قواعد و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه که غالب آنها تنها در سده‌ی اخیر میلادی در رویه دولتها مورد پذیرش قرار گرفته‌اند! در ۱۴۰۰ سال پیش مورد تأکید حضرت علی(ع) بوده است و بر رعایت آنها تأکید نموده‌اند و فرماندهان و سربازان تحت امر خود را ملزم به پیروی از آنها دانسته‌اند و بر رعایت آن مقررات نظارت کرده‌اند. جالب توجه است که تا سال‌ها در حقوق بین‌الملل عرفی مشخص نبود که آیا قوانین جنگ برای حمایت از غیرنظامیان، افراد مریض یا مجروح، اسرای جنگی و مانند آن در مورد جنگ‌های داخلی هم اجرا می‌شود یا خیر تا آنکه با تصویب ماده ۳ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ برخی حمایت‌ها برای اشخاص فوق‌الذکر در درگیری‌های داخلی مورد شناسایی قرار گرفت، اما امام علی(ع) رعایت مقررات حقوق بشردوستانه توسط سربازان خود در جنگ‌های صفین و خوارج را به دقت مورد توجه قرار دادند که در تقسیم‌بندی‌های کنونی حقوق بین‌الملل معاصر، به عنوان جنگ‌های داخلی شناخته می‌شوند.

کلید واژه‌ها: نهج البلاغه، حقوق بشردوستانه، قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، منع عمل متقابل

مقدمه

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۶ و بنا به درخواست بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر تصمیم گرفت با کمک متخصصین حقوق بین‌المللی بشردوستانه که به نمایندگی از مناطق مختلف جغرافیایی و نظام‌های مختلف حقوقی حضور می‌یابند و با مشورت متخصصین اعزامی از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، گزارشی در خصوص قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه که نسبت به درگیری مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال است تهیه کرده و گزارش را میان کشورها و نهادهای ذیصلاح بین‌المللی توزیع کند. جهت انجام این تحقیق، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ کمیته‌ای راهبردی متشکل از دوازده نفر از کارشناسان مشهور بین‌المللی در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه تعیین نمود^۱ و کمیته نیز بر فعالیت‌های تحقیقی بیش از ۱۰۰ حقوقدان برجسته در غالب کشورهای جهان نظارت کرد.

پس از پایان انجام تحقیقات و ارائه‌ی رسمی گزارش، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با اعلام رضایت خود گفت: «همه سنت‌ها و تمدن‌ها در توسعه این رشته از حقوق که امروزه بخشی از میراث مشترک بشریت است، یاری رسانده‌اند».

متأسفانه در گزارش تحقیقی اشاره‌ناچیزی به نقش نظام حقوقی و فقه اسلامی در ارائه اصول و قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه شده است. نگارنده با بررسی مفصل نهج البلاغه، بر آن است که به تحقیق در این خصوص پردازد که آیا در گفتار و کردار امام علی(ع) به موضوع حقوق بشردوستانه پرداخته شده است یا نه؟

نتیجه مطالعات بسیار قابل توجه بود. بسیاری از قواعد و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه که غالب آنها تنها در سده‌ی اخیر میلادی در رویه دولت‌ها مورد پذیرش قرار گرفته‌اند؛ در ۱۴۰۰ سال پیش مورد تأکید امیرمؤمنان بوده است و بر رعایت آنها بسیار تأکید نموده‌اند و فرماندهان و سربازان تحت امر خود را ملزم به رعایت آنها دانسته‌اند و بر آن نظارت کرده‌اند.

لازم به ذکر است که گروسیوس (۱۶۴۵-۱۵۸۳) (که غربی‌ها از او با عنوان پدر حقوق بین‌الملل یاد می‌کنند) در کتاب خود به وحشیگری در جنگ‌های اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم اشاره کرده و انگیزه‌ی نگارش درباره حقوق جنگ را چنین بیان کرده است: «مشاهده کردم که در سراسر دنیای مسیحیت، آزادی عمل در جنگیدن وجود دارد که به نظرم حتی ملت‌های وحشی هم باید از آن شرمسار باشند؛ مردم بر سر مسائل ناچیز و گاه

بدون علت به اسلحه متوسل می‌شوند، همین که دست به اسلحه می‌برند، دیگر هیچ احترامی برای قانون الهی یا قوانین بشری باقی نمی‌ماند، دقیقاً مثل اینکه فرمانی صادر شده و مردم دیوانه وار به انواع جنایت دست می‌زنند» (گرین‌وود، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۸). تنها با ظهور عصر روشنگری در قرن هیجدهم است که تغییری اساسی در نگرش دولت‌ها نسبت به رفتارهای جنگی به وجود آمد. در سال ۱۷۷۲ ژان ژاک روسو در اثر خود «قرارداد اجتماعی» گفت: «جنگ یک رابطه است، اما نه رابطه‌ای بین انسان و انسان، بلکه رابطه‌ای بین دولت و دولت، افراد تنها به‌طور اتفاقی با یکدیگر دشمن می‌شوند..... اگر هدف جنگ، نابودی دولت متخاصم باشد، طرف دیگر حق دارد نیروی مسلح آن را از بین ببرد، اما همین که آنها سلاح خود را به زمین بگذارند و خود را تسلیم کنند، دیگر انسان هستند، و کسی حق سلب حیات آنها را ندارد» (روسو، ۱۳۴۸: ۱۰۱). پذیرش نظرات روسو در اواخر قرن هیجدهم نقطه عطفی در توسعه حقوق بشردوستانه بود. در سال ۱۸۶۱ فرانسیس لیبر (۱۸۰۰-۷۲) استاد آلمانی-آمریکایی علوم سیاسی و حقوق در دانشگاه کلمبیا، نیویورک، از طرف لینکلن رییس جمهور آمریکا، نظامنامه‌ای بر مبنای حقوق بین‌الملل (کد لیبر) تنظیم کرد که برای نخستین بار در سال ۱۸۶۳ به اجرا گذاشته شد و در جنگ داخلی برای نیروی زمینی ایالات متحده (۱۸۶۵-۱۸۶۱) لازم‌الاجرا بود و از آن به بعد به تدریج معاهدات دو یا چند جانبه‌ای در حوزه حقوق بشردوستانه میان دولت‌ها منعقد گردید (گرین‌وود، ۱۳۸۷: ۴۱-۹).

لازم به ذکر است که در نظام حقوق بین‌الملل میان دو مجموعه از مقررات یعنی حقوق حاکم بر توسل به زور^۲ با حقوق تنظیم کننده رفتار زمان جنگ^۳ تمایز قائلند (شریفی‌طراز کوهی، ۱۳۷۵: ۲۴).

در مقررات و حقوق حاکم بر توسل به زور به بررسی این مطلب پرداخته می‌شود که دولت‌ها در چه مواردی حق دارند علیه دیگران به زور متوسل شوند. به عبارت دیگر در این حوزه، مشروعیت توسل به زور موضوع بحث است لازم به ذکر است که تا اوایل قرن بیستم هیچ‌گونه ممنوعیتی نسبت به توسل به زور وجود نداشت به نحوی که دولت‌ها در توسل به جنگ آزاد بودند و حتی نظریه جنگ عادلانه نیز هرگز یک قاعده در حقوق بین‌الملل عمومی نبود (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۲۶). اما در حقوق بین‌الملل معاصر دولت‌ها در موارد دفاع مشروع و یا بر حسب مجوز شورای امنیت حق دارند علیه دیگران به زور متوسل شوند بنابراین حمله

^۱ لازم به توضیح است که پروفیسور جمشید ممتاز استاد دانشگاه تهران به عنوان یکی از اعضای کمیته راهبردی تعیین گردید.

^۲ Jus ad bellum

^۳ Jus in bello

(حقوق جنگ) که در مجموع ابزار و روش‌های جنگیدن را تنظیم می‌کند؛ و (ب) قواعدی که حداقل حمایت را برای افراد مقرر می‌دارند (حقوق بشردوستانه) که از طبقات معینی از قربانیان جنگ همچون غیر نظامیان، اسرای جنگی، فراریان و زخمیان حمایت می‌کند. مورد «الف» اصولاً در کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ یافت می‌شوند (حقوق ژنو)، و حال آنکه مورد «ب» در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی سال ۱۹۷۷ منظور شده‌اند (حقوق لاهه). (والاس، ۱۳۸۷: ۳۷۴-۳۷۳).

لازم به تذکر است که حقوق بشردوستانه با حقوق بشر مشترکات بسیاری دارد زیرا هر دو دسته از حقوق مشتعل بر قواعد ناظر به حمایت از افراد هستند اما میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تفاوت‌های مهمی وجود دارد. حقوق بشر به تمام مردم و تحت هر شرایط و حقوق بشردوستانه به موارد خاص و گروه‌های ویژه همچون اسرای جنگی، فراریان و زخمیان توجه دارد. در واقع مقررات حقوق بشر به زمان صلح و حقوق بشردوستانه به زمان جنگ اختصاص دارد (مولایی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

در مقاله حاضر به بررسی حقوق بشردوستانه در کلام و فرمایشات امام علی(ع) در کتاب گرانقدر نهج البلاغه می‌پردازیم. هر چند امام در آن کتاب شریف در مورد حقوق جنگ مباحثی دارد اما بررسی حوزه اخیر از قلمرو موضوع این مقاله خارج است و بدان نمی‌پردازیم.

در کتاب نهج البلاغه به روشنی می‌توان برخی از قواعد بنیادین کنونی حقوق بشردوستانه در نظام معاصر حقوق بین‌الملل را یافت. قواعدی که تا قرن حاضر در حقوق بین‌الملل تثبیت نشده بودند. استخراج این قواعد از کتاب عظیم نهج البلاغه و ترجمه آنها به زبان‌های مختلف می‌تواند به علمای حقوق بین‌الملل در سراسر جهان نشان دهد که نظام حقوق اسلامی در ۱۴۰۰ سال پیش مشوق رعایت قواعدی بوده که جهان غرب در یکی دو سده‌ی اخیر به آنها دست یافته است.

در مقاله‌ی حاضر، مهم‌ترین قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه که امیرمؤمنان علی(ع) بر آنها تأکید نموده و در نهج البلاغه از آن نام برده شده است، معرفی می‌گردد. مباحث این مقاله در دو فصل ارائه می‌شود. در فصل اول، اصل تفکیک بین غیرنظامیان و رزمندگان و در فصل دوم، روش‌های ویژه در جنگ بررسی خواهد شد. در فصل اخیر به مباحثی همچون رفتار با افراد خارج از صحنه نبرد (مجروحان، بیماران، فراریان و اسیران)، احترام به اجساد

آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ چون فاقد مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد بود از منظر حقوق بین‌الملل غیرقانونی تلقی می‌شود. از سوی دیگر حقوق بشردوستانه به هنگام وقوع درگیری و جنگ میان دولت‌ها صرفنظر از ماهیت یا منشاء درگیری مسلحانه یا انگیزه‌های آن حاکم است نگویند کک دین و غیره، ۱۳۸۳: ۳۵۳). از شناسایی تمایز میان حقوق حاکم بر توسل به زور با حقوق تنظیم کننده رفتار زمان جنگ این نتیجه حاصل می‌شود که ماهیت یک درگیری مسلحانه، مشروع یا نامشروع و تجاوزکارانه یا تدافعی بودن بر قابلیت اعمال مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه تأثیر نخواهد داشت. بنابراین با شروع درگیری، قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، صرفنظر از اینکه متجاوز کیست، به طور یکسان نسبت به هر دو طرف درگیری اجرا می‌شوند. ظاهراً این مسأله کاملاً غیر منطقی می‌نماید. به نظر می‌رسد که قرار دادن «متجاوز» و «قربانی تجاوز» در یک وضعیت یکسان از حیث اجرای حقوق بشردوستانه، این اصل کلی را که «هیچ کس نباید از اقدام غیر قانونی خود نفع قانونی ببرد» نقض می‌کند. با وجود این، این اصل که حقوق بشردوستانه، بین «متجاوز» و «قربانی تجاوز» تمایز قائل نمی‌شود، کاملاً تحکیم گردیده است (گرین وود، ۱۳۸۷: ۲۸).

در واقع، حقوق بشردوستانه فارغ از مسأله مشروعیت توسل به زور، تنها به محدود ساختن پیامدهای ناشی از جنگ یا درگیری می‌اندیشد، بازیگران بین‌المللی را ملزم می‌سازد عملیات جنگی را به تضعیف توان رزمی دشمن محدود نموده و به همین حد از خشونت بسنده نمایند. در این صورت است که نه تنها مصون داشتن غیر نظامیان و اهداف غیرنظامی از آثار جنگ به عنوان تکلیفی اصولی بر عهده آنها قرار می‌گیرد بلکه رفتار انسانی با دشمن در حالت جنگ و پس از دستگیری نیز به مقتضای ضرورتی انسانی، الزام حقوقی می‌یابد (زمانی و ساعد، ۱۳۸۷: ۱۳).

از سوی دیگر اندیشه مقابله به مثل به هیچ وجه در میدان اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه راه ندارد (صابری، ۱۳۷۸: ۱۶). از این رو، این واقعیت که در یک درگیری، یک طرف از قواعد بشردوستانه تخلف نموده، عدم رعایت قوانین مزبور از سوی طرف دیگر را توجیه نمی‌کند (گرین وود، ۱۳۸۷: ۳۱).

حقوق زمان جنگ به دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند الف: قواعدی که به انجام بالفعل عملیات جنگی مربوط می‌شوند

حدود ۶۳۲ م) در فرامین خود به فرماندهان چنین تصریح کرد که: «خون زنان، کودکان و سالخورده‌گان نباید پیروزی شما را لکه دار سازد. درختان خرما را نابود نکنید، خانه‌ها و مزارع را به آتش نکشید و هیچ درخت باروری را قطع نکنید. شما نباید گله‌های احشام را از بین ببرید مگر برای تغذیه خود» (گرین وود، ۱۳۸۷: ۳۶). به نظر می‌رسد که گرین وود با دیدن کتب نوشته شده توسط علمای اسلامی تنها به رویه‌ی خلیفه اول در تأکید بر رعایت حقوق بشردوستانه اشاره کرده و شاید در آن کتاب‌ها در خصوص گفتار و کردار حضرت علی (ع) در این حوزه سخنی به میان نیامده است.

به هر حال، آن قواعد امروزه در زمره‌ی اصول و قواعدی آمده است که «در حقوق بین الملل بشردوستانه برای حمایت و صیانت از افرادی که در جنگ‌ها شرکت ندارند، یا افرادی که سلاحشان را بر زمین گذارده‌اند و محیط زیست، تکوین یافته است. قواعد حقوقی به رسمیت شناخته شده‌ای که نظر به اینکه در جنگ، هدف غلبه بر دشمن است نه نابودی آن؛ و به طریق اولی نه زجر و شکنجه‌ی آن، لذا باید در کاربرد وسایل و ابزار و تجهیزات علیه دشمن، محدودیت وجود داشته باشد و اینکه لزوماً باید بین نظامیان و غیر نظامیان تفکیک قائل شد» (همان).

گفتار اول: اصل تفکیک در نظام حقوق بین الملل معاصر

اولین قاعده عرفی شناسایی شده در گزارش کارشناسان، اصل تفکیک بین غیرنظامیان و رزمندگان است. در بیان این قاعده چنین آمده است:

قاعده ۱- طرفین درگیر همواره باید بین افراد غیرنظامی و رزمندگان تفکیک قائل شوند. حملات فقط می‌تواند علیه رزمندگان انجام شود. حملات نباید متوجه افراد غیر نظامی باشد.

حقوق بین‌الملل در مورد افرادی که در درگیری‌های مسلحانه شرکت کرده یا به وسیله آن متاثر شده‌اند، میان رزمندگان و غیرنظامیان تفکیک و تمایز اساسی قائل می‌شود (که به اصل تفکیک، به عنوان یکی از اصول کلی حقوق بشردوستانه مرسوم است) (زمانی و ساعد، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

در توضیح این اصل نوشته شده است که اصل ایجاد تفکیک بین افراد غیرنظامی و رزمندگان نخستین بار در اعلامیه سن

کشته‌شدگان و مردگان، ممنوعیت توسل به هر شیوه‌ی جنگی به‌ویژه منع به قحطی کشاندن دشمن و منع عمل متقابل می‌پردازیم.

شایسته تذکر است که تا سالها در حقوق بین‌الملل عرفی مشخص نبود که آیا قوانین جنگ برای حمایت از غیرنظامیان، افراد مریض یا مجروح، اسرای جنگی و مانند آن در مورد جنگ‌های داخلی هم اجرا می‌شود یا خیر تا آنکه با تصویب ماده ۳ کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ برخی حمایت‌ها برای اشخاص فوق‌الذکر در درگیری‌های داخلی مورد شناسایی قرار گرفت (آکهرست، ۱۳۷۲: ۳۷۰). اما امام علی (ع) رعایت مقررات حقوق بشردوستانه توسط سربازان خود در جنگ‌های صفین و خوارج را به دقت مورد توجه قرار دادند که در تقسیم‌بندی‌های کنونی حقوق بین‌الملل معاصر، به عنوان جنگ‌های داخلی شناخته می‌شوند.

فصل اول: اصل تفکیک بین غیرنظامیان و رزمندگان

در این فصل اصل تفکیک میان غیرنظامیان و رزمندگان در نظام حقوق بین‌الملل معاصر و در نهج‌البلاغه به ترتیب بررسی می‌گردد. کلیات

در گذشته و به مقیاسی کمتر حتی در دوران کنونی، اعتقاد برخی حاکمان سرکش آن است که از تاکتیک گسترش و فراگیر شدن جنگ نسبت به دشمن به منظور اهرم فشار استفاده جویند. اما در سیره و عملکرد پیامبر اسلام و خلفای راشدین در جنگ‌ها می‌توان اصول جدید حقوق بشردوستانه را کاملاً استنباط و استخراج نمود. برای نمونه پیامبر اسلام هر گاه گروهی یا لشگری را برای جنگ اعزام می‌داشتند، به آنها می‌فرمودند: «در راه خدا با کافران بجنگید، بچه‌ها را نکشید، به آنها خیانت نکنید و نقض عهد ننمایید». همچنین ایشان فرموده‌اند: «به نام خدا و در پناه و راه او و به پیروی از پیغمبرش بروید... مثله نسبت به کشته روا مدارید، پیرمرد فرتوت و کور و کر و زنان را نکشید و درخت را تا ناچار نشوید قطع نکنید...» (شریفی طراز کوهی، ۱۳۷۵: ۱۴).

پروفسور گرین وود (قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری) در مقاله ارزشمند خود با عنوان «سیر تحول تاریخی و مبنای حقوق بشردوستانه» به نقش احکام و تعالیم اسلامی در توسعه این نظام حقوقی اشاره نموده است. وی نوشته است: «ابوبکر خلیفه اول (در

در حقوق بین‌الملل عرفی» می‌باشد (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۴).

اهمیت رعایت اصل تفکیک برای جامعه بین‌المللی در حال حاضر به درجه‌ای رسیده است که طبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (مصوب سال ۱۹۹۸)، «حمله عمدی علیه غیر نظامیان یا علیه افراد غیر نظامی که در درگیری‌ها شرکت مستقیم ندارند» در هر دو حوزه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و داخلی، جنایت جنگی محسوب می‌شود (به ترتیب ماده ۸ (۲) (ب) ۱ و ماده ۸ (۲) (ه) ۱).

گفتار دوم: اصل تفکیک در نهج البلاغه

امام علیه‌السلام در نامه ۱۲ و از جمله سفارش‌هایی که به «مقلد ابن قیس ریاحی» داشت (در آن هنگام که او را با سه هزار نفر به عنوان مقدمه لشکر خویش بسوی شام فرستاد) چنین می‌فرماید:

«اتَّقِ اللَّهَ الَّذِي لَا بُدَّ لَكَ مِنْ لِقَائِهِ، وَلَا مُنْتَهَى لَكَ دُونَهُ، وَلَا تُقَاتِلَنَّ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ، ... فَإِذَا لَقَيْتَ الْعَدُوَّ فَفَقِّفْ مِنْ أَصْحَابِكَ وَسَطًا، وَلَا تَدْنُ مِنَ الْقَوْمِ دُنُوًّا مَنْ يُرِيدُ أَنْ يُنْشِبَ الْحَرْبَ، وَلَا تَبَاعِذْ مِنْهُمْ تَبَاعُذَ مَنْ يَهَابُ الْبَأْسَ، حَتَّى يَأْتِيَكَ أَمْرِي، وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ شَنَاثُهُمْ عَلَى قِتَالِهِمْ، قَبْلَ دُعَائِهِمْ وَالْأَعْدَاءِ إِلَيْهِمْ.»

«از خدا بترس همان خدائی که به ناچار باید ملاقاتش کنی، و سرانجامی جز حضور در پیشگاهش نداری، جز با کسی که با تو بجنگند پیکار مکن، هر گاه دشمن را ملاقات کردی در میان یارانت قرار گیر. نه آن قدر به دشمن نزدیک شو که خیال شود آتش جنگ را تو می‌خواهی روشن کنی و نه آنقدر دور بایست که گمان برده شود از نبرد می‌ترسی. (چنین باش) تا فرمان من به تو برسد (اما به هوش باش) پیش از آنکه آنها را به صلح و مسالمت و راه خدا دعوت کنی و راه عذرشان را در پیشگاه خداوند ببندی، بخاطر دشمنی خصوصی با آنها پیکار نکنی.»

بنابراین روشن می‌شود که اشاره به اصل تفکیک در جامعه جهانی را ابتدا باید در تعالیم پیشوایان اسلام از جمله حضرت علی (ع) دید. حتی همان‌گونه که از فرمایش امیرالمؤمنین هویدا است، ایشان لشکریان خود را حتی از دست یازی مقدماتی به جنگ علیه شورشیان حکومت اسلامی باز می‌دارد مگر آنکه از سوی دشمن به آنها حمله شود. در حالی که در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، دولت‌ها در حمله ابتدایی به شورشیان مسلح در درگیری‌های داخلی کاملاً آزاد هستند و نیازی نیست که منتظر آغاز حمله از سوی شورشیان باشند.

پترزبورگ (سال ۱۸۶۸) وضع شد و این اصل اظهار می‌دارد که «تنها هدف قانونی که دولت‌ها حین جنگ باید تلاش کنند بدان دست یابند آن است که قوای نظامی دشمن را تضعیف کنند». مقررات لاهه ۱۸۹۹ مشخص نکرده است که آیا باید بین رزمندگان و افراد غیر نظامی تفکیک قائل شد یا خیر اما ماده ۲۵ که «حمله یا بمبارانی را که به هر وسیله علیه شهرها، روستاها، منازل یا ساختمان‌های بی‌دفاع صورت پذیرد، ممنوع کرده است»، مبتنی بر همین اصل می‌باشد (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۳-۶۲).

در حال حاضر نیز اصل تفکیک در مواد ۴۸، ۵۱ (۲) و ۵۲ (۲) از پروتکل اول الحاقی سال ۱۹۷۷ تدوین گردیده و اعمال هیچ‌گونه حق شرطی در مورد آنها پذیرفته نشده است. ممنوعیت حمله به غیرنظامیان در درگیری‌های داخلی نیز به موجب ماده ۱۳ (۲) پروتکل الحاقی دوم مصوب سال ۱۹۷۷ مقرر گردیده است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۳).

در رویه ارکان سیاسی سازمان ملل متحد نیز بر لزوم رعایت اصل تفکیک تأکید شده است. مجمع عمومی طی قطعنامه (۲۳) ۲۴۴۴ که در سال ۱۹۶۸ با ۱۱۱ رای موافق و بدون هیچ رای مخالف و یا ممتنع به تصویب رسید، اعلام داشت که اصل تفکیک باید در تمامی درگیری‌های مسلحانه مورد عمل قرار گیرد. شورای امنیت نیز با تصویب قطعنامه شماره ۱۲۹۶ (مصوب سال ۲۰۰۰) در زمینه حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه به صورت ویژه موضوع حمله عمدی به افراد غیرنظامی را در تمامی موقعیت‌های درگیری مسلحانه مورد محکومیت شدید قرار داد.

رویه دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، به خصوص در قضیه تادیچ، مارتیچ و کوپرش کیچ و همچنین رویه کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در قضیه مربوط به وقایع لاتابلادا در آرژانتین، همگی دال بر این واقعیت هستند که تفکیک بین افراد غیرنظامی و رزمندگان در درگیری‌های مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی به صورت عرف مورد پذیرش قرار گرفته است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۶۹-۶۸).

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رای مشورتی سلاح‌های هسته‌ای، چنین بیان داشت که اصل تفکیک، یکی از «اصول اساسی» حقوق بین‌الملل بشردوستانه و از «اصول غیرقابل تخطی

فصل دوم: روش‌های ویژه در جنگ

در این فصل، رفتار با افراد خارج از صحنه نبرد - یعنی کسانی که دیگر قدرت جنگیدن را از دست داده‌اند- در نظام حقوق بین‌الملل معاصر و نهج البلاغه به ترتیب بررسی می‌گردد.

گفتار اول: رفتار با افراد خارج از صحنه نبرد (مجروحان، بیماران، فراریان و اسیران)

در نظام حقوق بین‌الملل، علاوه بر تفکیک کلی میان رزمندگان و غیرنظامیان و تأکید بر لزوم عدم حمله به گروه اخیر، همچنین بر این نکته تأکید می‌شود که رزمندگان نیز اگر توان مبارزه و جنگیدن را از دست دهند نباید به آنان حمله شود. مثلاً اگر رزمنده‌ای مجروح و یا بیمار شود یا از میدان نبرد بگریزد یا تسلیم گردد. در این فصل نیز رفتار با افراد خارج از صحنه نبرد به ترتیب در نظام معاصر حقوق بین‌الملل و در کتاب نهج البلاغه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: رفتار با افراد خارج از صحنه نبرد در حقوق بین‌الملل معاصر

قاعده ۱۰۹- هر زمان که شرایط اقتضاء نماید، هر یک از طرفهای درگیری به ویژه پس از درگیری موظفند بدون تاخیر کلیه اقدامات ممکن را برای جستجو، جمع‌آوری و تخلیه مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان بدون تبعیض ناروا به عمل آورند.

تاریخ (حقوق ژنو) نشان می‌دهد که بیماران و مجروحان ارتش‌ها و نیروهای دریایی دولت‌های درگیر، اولین هدف و مخاطب مراقبت بشردوستانه بوده‌اند (رابوس، ۱۳۸۷ : ۳۹۰). در این ارتباط متخصصان در گزارش خود نوشته‌اند که مفاد مربوط به وظیفه جمع‌آوری رزمندگان مجروح و بیمار در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی بدون قائل شدن هیچ گونه تبعیضی برای نخستین بار در کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو تدوین گردید. این موضوع مجدداً به صورت مشروح در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو منعکس شد. وظیفه مذکور در حال حاضر در ماده ۱۰ پروتکل اول الحاقی البته تحت عنوان کلی‌تر یعنی «حمایت» از مجروحین، بیماران و کشتی شکستگان تدوین شده است که به معنای «به دفاع از ایشان برخاستن و کمک کردن و حمایت از ایشان» است. در مورد درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، قاعده مذکور مبتنی بر ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو است که وظیفه «جمع‌آوری مجروحین و بیماران» را به صراحت بیان کرده است. مفاد مربوط

به این وظیفه به صورت مشروح‌تر در پروتکل دوم الحاقی تدوین شده است (هنکرتز و دوسوالدیک، ۱۳۸۷: ۵۷۷-۵۷۶).

کنوانسیون‌های ژنو و دیگر اسناد حقوقی همچون گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه توسط نیروهای سازمان ملل متحد، مبین آن است که آتش بس و دیگر ترتیبات محلی راه‌های مناسبی برای ایجاد شرایطی محسوب می‌شوند که بتوان مجروحین و بیماران را تخلیه نمود و طرف‌های درگیری را ملزم می‌دارد در صورتی که شرایط اجازه دهد نسبت به جمع‌آوری، مبادله و انتقال مجروحین از صحنه نبرد با یکدیگر توافق کنند. در دستورالعمل‌های نظامی متعددی نیز به این موضوع پرداخته شده است (هنکرتز و دوسوالدیک، ۱۳۸۷: ۵۸۰).

توسعه و اعمال مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی برای حمایت از اسیران جنگی نیز در برگیرنده عناصر اخلاقی، نظامی و سیاسی است. رفتار انسانی با اسیران جنگی ریشه در این واقعیت دارد که رزمندگان به اسارت گرفته شده دیگر هیچ خطری برای جان افرادی که آنها را به اسارت گرفته‌اند یا ارتش آنها ندارند. این امر مبنای رفتار انسانی پیش‌بینی شده در درگیری‌های مسلحانه با اسیران را تشکیل می‌دهد.

رفتار با اسیران جنگی تا پیش از خاتمه قرن نوزدهم با توجه به درگیری، منطقه جغرافیایی آن و طرف‌های درگیری متفاوت بود. اسیران معمولاً یا کشته می‌شدند یا به بردگی گرفته می‌شدند. این طرز رفتار عمدتاً ناشی از عدم تفکیک بین رزمندگان و غیررزمندگان بود. تنها در پایان قرن هیجدهم و پس از اینکه «ژان ژاک روسو» مبنای این تفکیک را در کتاب «قرارداد اجتماعی» (۱۷۶۲) به دست داد تلاش‌هایی صورت گرفت تا پیش نویس مقررات مربوط به اسیران جنگی تهیه شود. معاهده مودت بین پروس و ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۷۵ طرف‌های متعهد را موظف کرد که از اسیران جنگی حمایت کنند.^۱ با این وجود، حتی در دوران معاصر نیز حقوق اسرا به همان صورتی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی پیش‌بینی شده، رعایت نگردیده است. علاوه بر مراقبت‌های ناکافی در جریان جنگ دوم جهانی، اسیران اغلب به عنوان نقض حقوق جنگ یا بر اساس مقررات دولت بازداشت‌کننده اعدام می‌شدند. برای مثال، اسیران جنگی شوروی سابق در اردوگاه‌های آلمان مقدار غذای لازم را دریافت نمی‌کردند و در برخی موارد اصلاً غذایی به آنها داده نمی‌شد.

۱. کد لیبور مورخ ۲۴ آوریل ۱۸۶۳، کنفرانس بروکسل مورخ ۲۷ اوت ۱۸۷۴، معاهدات چندجانبه لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ و کنوانسیون ژنو ۱۹۲۹ از اهم مقررات بین‌المللی مربوط به حمایت از اسرای جنگی محسوب می‌شود. در حال حاضر کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ جامعترین معاهده حمایت از اسرای جنگی است و تقریباً تمام کشورهای جهان آن را تصویب کرده‌اند.

بِالْكَفِّ عَنْهُمْ وَإِنَّهُمْ لَمُشْرِكَاتٌ، وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لَيَتَنَاوَلُ الْمَرْأَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْفَهْرِ [۳] أَوْ الْهَرَاوَةِ [۴] فَيُعِيرُ بِهَا وَعَقِبُهُ مِنْ بَعْدِهِ».

«با آنها نجنبید تا آنها پیشدستی کنند، چه اینکه شما بحمد الله (برای حقانیت خود) دارای حجت و دلیل هستید. و واگذاشتن شما تا آنها نبرد را شروع کنند این حجت دیگری است به سود شما و به زیان آنان. آنگاه که باذن خدا آنان را شکست دادید فراریان را نکشید، و ناتوان‌ها را ضربت نزنید! و مجروحان را به قتل نرسانید! با اذیت و آزار زنان را به هیجان نیاورید، گر چه آنها به شما دشنام دهند و متعرض آبروی شما گردند و به سراتنان بدگویی کنند زیرا نیروی تحمل آنها کمتر است و به همین دلیل زودتر تحت تأثیر واقع می‌شوند و به هیجان می‌آیند. در زمان پیامبر(ص) به ما دستور داده شده بود که دست از آزار آنها برداریم با اینکه مشرک بودند، و حتی در زمان جاهلیت اگر مردی دست به روی زنی بلند می‌کرد و سنگ کوچک یا چوبی به او می‌زد همین باعث ننگ او و فرزندانش او می‌شد».

همچنین امام در نامه ۴ خود نیز که به بعضی از سران سپاهش نوشته است بر لزوم عدم مزاحمت و حمله به اسیران تأکید می‌کند و می‌فرماید:

«فَإِنْ عَادُوا إِلَى ظِلِّ الطَّاعَةِ فَذَاكَ الَّذِي نُحِبُّ، وَإِنْ تَوَافَتْ [۱] الْأُمُورُ بِالْقَوْمِ إِلَى الشَّقَاةِ وَالْعِصْيَانِ فَانْهَدُ بِمَنْ أَطَاعَكَ إِلَى مَنْ عَصَاكَ...»

«اگر (دشمنان) به سایه اطاعت و تسلیم بازگردند (مزاحم آنان مشو چرا که) این همان است که ما دوست داریم و اگر حوادث، آنان را مهبای اختلاف و عصیان نموده است به کمک مطیعان با عاصیان نبرد کن!».

گفتار دوم: ممنوعیت توسل به هر شیوه جنگی بویژه منع

به قحطی کشاندن دشمن و منع عمل متقابل

در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، این اصل به خوبی تثبیت شده است که هدف از جنگ، تسلیم کردن دشمن است نه نابودی او. بنابراین نمی‌توان از هر وسیله‌ای برای نابودی او استفاده کرد. در نهج‌البلاغه نیز به روشنی می‌توان تجلی این اصل را مشاهده نمود. اما تا آغاز قرن بیستم، رویکردی دیگری در مقررات داخلی و رویه بین‌المللی دولت‌ها حاکم بود. در اینجا نظر به محدودیت در بیان مطالب در یک مقاله، تنها به یکی از مصادیق محدودیت در اختیار دولت‌ها در دست‌یازی به خشونت، یعنی ممنوعیت به قحطی کشاندن دشمن، در نظام معاصر حقوق بین‌الملل و نهج-البلاغه خواهیم پرداخت.

بسیاری از آنها به اردوگاه‌های کار اجباری برده می‌شدند یا مجبور بودند در صناعی که برای فعالیت‌های جنگی اهمیت داشت به کارهای خطرناک مبادرت ورزند. تخمین زده می‌شود که از مجموع ۵/۷ میلیون نفر اسیر جنگی شوروی در آلمان و نیز ۳/۳ میلیون نفر اسیر جنگی آلمانی که در اردوگاه‌های شوروی بودند تقریباً ۱ میلیون نفر در زمان اسارت جان باخته باشند (فیشر، ۱۳۸۷: ۴۳۱-۴۲۷).

اسیران جنگی همیشه از قربانیان معمول اقدامات تلافی جویانه توسط دولت‌ها در درگیری‌های مسلحانه بوده‌اند. مثلاً هنگامی که کامیون حامل سربازان آلمانی در رم (مارس ۱۹۴۴) مورد حمله قرار گرفت، هیتلر دستور داد در مقابل هر سرباز آلمانی ۱۰ سرباز ایتالیایی را به قتل برسانند، متعاقب این دستور، ۳۳۵ اسیر جنگی از زندان‌های رم خارج و به قتل رسیدند. حملات نیروی مقاومت فرانسه علیه سربازان آلمانی منجر به آن شد که آلمانی‌ها ۸۰ زندانی فرانسوی را در لیون اعدام کنند، متعاقب آن به رغم مداخله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، فرانسوی‌ها ۸۰ سرباز زندانی آلمانی را به قتل رساندند (مسائلی، ۱۳۷۱: ۱۴۲).

لازم به ذکر است که دولت‌ها در ارتکاب اقدامات تلافی جویانه علیه اسیران ممنوعیت قانونی نداشتند. تا آنکه در سال ۱۹۴۹ و به هنگام تدوین کنوانسیون سوم ژنو، دولت‌ها با توجه به تجربیات تلخ پیشین بر این نکته تأکید کردند که دست‌یازی به «اقدامات تلافی‌جویانه علیه اسیران جنگی ممنوع است».

بند دوم: رفتار با افراد خارج از صحنه نبرد در نهج‌البلاغه

امام علیه‌السلام در نامه ۱۴ و از جمله سفارش‌هایی که به لشکرش پیش از روبرو شدن با دشمن در «صفین» کرد، در بیان رعایت حقوق مجروحان، فراریان، اسرا و زنان چنین می‌فرماید:

«لَا تَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدُؤُكُمْ، فَإِنَّكُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حُجَّةٍ، وَتَرَكُّكُمْ إِيَّاهُمْ حَتَّى يَبْدُؤُكُمْ حُجَّةٌ أُخْرَى لَكُمْ عَلَيْهِمْ، فَإِذَا كَانَتِ الْهَرِيمَةُ بِأَذْنِ اللَّهِ فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا، وَلَا تُصِيبُوا مُعَوَّرًا [۱]، وَلَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ [۲]، لَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَذَى، وَإِنْ شَتَمَنَ أَعْرَاضَكُمْ، وَسَبَّيْنَ أُمَّرَأَكُمْ، فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ، إِنْ كُنَّا لَنُؤْمَرُ

۱. این در حالی است که گروسوس که از او با عنوان پدر حقوق بین‌الملل یاد می‌کنند، مسلم فرض کرده که «هر اقدام مقتضی ضرورت نظامی به خودی خود قانونی است. وی نوشته که ضرورت نظامی به متخاصم اجازه خواهد داد که به اموال اشخاص جمعیت دشمن صدمه وارد آورد و حتی آنها را به بدون قید و شرط تسلیم شده‌اند، بکشد» (Jochnick and Normand, 1994: 93).

بند اول: ممنوعیت به قحطی کشاندن دشمن در حقوق

بین‌الملل معاصر

قاعده ۵۳- گرسنگی دادن به غیرنظامیان به عنوان یک روش جنگی ممنوع است.

در حالی که در سال ۱۸۶۳ هنوز کد لیبر چنین حکم می‌کرد که «گرسنگی دادن دشمن چه مسلح و چه غیرمسلح به منظور تسریع در انقید او امری قانونی است» در آغاز سال ۱۹۱۹ گزارش ارائه شده توسط کمیسیون بررسی مسوولیت‌ها که پس از جنگ اول جهانی ایجاد شد، عنوان کرد که «گرسنگی دادن عمدی غیرنظامیان» در جنگ، تخطی از عرف و قانون متعارف جنگ بوده و مشمول تعقیب جنایی می‌باشد. ممنوعیت گرسنگی دادن به عنوان یک روش جنگی در ماده ۵۴ (۱) پروتکل اول الحاقی تدوین شده است. در زمان تصویب پروتکل مذکور، طرح این مطلب چیزی جدید به نظر می‌آمد ولی در حال حاضر به عنوان یک قاعده مستحکم و ریشه دار در قوانین و عرف بین‌المللی جای خود را باز کرده است.^۱ به موجب ماده ۸ (۲) (ب) (۲۵) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «به کار بردن گرسنگی اجباری به عنوان یک روش جنگی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی جنایت جنگی به شمار می‌رود».

منع استفاده از گرسنگی دادن مردم به عنوان یک روش جنگی، در پروتکل الحاقی دوم و سایر اسناد مربوط به درگیری-های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز درج شده است. همین نکته در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی منعکس شده است و در قوانین داخلی بسیاری از کشورها قید شده است که اقدام به چنین عملی «جنایت جنگی» به شمار می‌رود (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۳۰۳-۳۰۱). لازم به ذکر است که منع اقدام به گرسنگی دادن غیر نظامیان در جنگ، مانع از اقدام به محاصره دشمن نمی‌شود منتها باید چنین محاصره‌ای هدفش صرفاً نظامی باشد و قصد آن تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان نباشد (همان، ۳۰۴).

^۱ لازم به توضیح است که حتی در دوران جنگ دوم جهانی نیز تلاش برای به گرسنگی کشاندن جمعیت غیر نظامی به صورت مطلق ممنوع نبود و این موضوع در ارای دادگاه نورنبرگ که پس از خاتمه جنگ دوم جهانی تاسیس گردید، منعکس شده است. مثلاً یک ژنرال آلمانی مطابق مقررات قانونی متهم شد که در جریان عقب نشینی از فنلاند به دلیل دستور جایجایی کل جمعیت و نابودی همه مواد غذایی و پناهگاهها، که حدود ۶۱ هزار مرد و زن و بچه را بدون مسکن و گرسنه و ناتوان باقی گذاشت، مرتکب نابودی و انهدام غیر ضروری شده است. اگر چه محکمه دریافت که این فرمانها، هیچ هدف نظامی را تأمین نکرده، با این حال حکمی صادر نمود که «از آنجا که متهم عقیده داشته این دستورها ممکن است پیشرفت دشمن را آهسته و کند نماید، مجرم نیست». همین استدلال در چند پرونده دیگر نیز مطرح شد. ر.ک (شریفی طراز کوهی، ۱۳۷۵: ۵۹-۵۸).

یکی از مقررات مهم و بنیادین در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، ممنوعیت اقدام متقابل و تلافی‌جویانه است. یعنی اگر یکی از طرفین جنگ، مقررات حقوق بشردوستانه را نقض نمود، به طرف دیگر این مجوز اعطاء نخواهد شد که به اقدام تلافی‌جویانه دست زند. به موجب بند ۶ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ «حمله به سکنه غیرنظامی یا غیرنظامیان به عنوان اقدام تلافی‌جویانه ممنوع است». حتی اصل ضرورت نظامی نیز چنین اقدامی را توجیه نمی‌کند.

اما سابق بر این، در مقررات بین‌المللی و رویه دولت‌ها، موارد فراوانی از موارد دست یازی دولت‌ها به اقدامات تلافی‌جویانه دیده می‌شود. مثلاً در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۴۴ نیز متفقین به آلمانی‌ها در مورد بمباران شهر آخن اولتیماتوم دادند. متن این اولتیماتوم به شرح ذیل است:

«ما یا با تسلیم بدون قید و شرط یا با حمله و تخریب شهر بر آن مسلط خواهیم شد. راه میانه‌ای وجود ندارد... یا شما بدون قید و شرط شهر را با هر آنچه در آن است برای جلوگیری از ریختن خون آلمانی‌ها و تخریب اموالشان تسلیم کنید و یا آنکه منتظر تخریب کامل آن باشید. انتخاب و مسوولیت با شماست (مسائلی، ۱۳۷۱: ۱۴۶).

رییس ستاد نیروی دریایی آلمان در اواخر سال ۱۹۴۴ در توجیه بمباران شهرهای انگلستان چنین اظهار داشت: «من عقیده دارم که ما نباید از هیچ وسیله‌ای برای از پا درآوردن انگلستان فروگذار کنیم و اینکه حملات هوایی موفقیت‌آمیز به لندن، نظر به ناآرامی و حالت عصبی مردم، وسیله‌ای ارزشمند برای رسیدن به هدف فرهم خواهد آورد» (شریفی طراز کوهی، ۱۳۷۵: ۴۸).

رهبران کشورهای متحد نیز سیاست بمباران وحشت را پذیرفتند و به خلبانان فرانسوی و آمریکایی دستور حملات هوایی داده شد، همچنین رییس ستاد نیروی هوایی انگلستان از آثار بمباران کلی و عمده مراکز صنعتی مملو از جمعیت ستایش کرد (همان: ۴۹-۴۸). لازم به ذکر است که انگلیس پیشنهاد پادشاه اسپانیا برای توقف بمباران شهرهای بی دفاع را رد کرد و معتقد بود که برای صلح آینده مطلوب نخواهد بود که جمعیت غیر نظامی آلمان، جمعیتی برخوردار از مصونیت در میان متخاصمین تلقی شود» (Jochnick and Normand, 1994:83).

بند دوم: ممنوعیت به قحطی (تشنگی) کشاندن در نهج-

البلاغه

نظری به عملکرد امام علی در قضیه اجتناب از بستن شریعه فرات، پایبندی امام به قاعده ممنوعیت به قحطی کشاندن دشمن را نشان می‌دهد، حتی پس از آنکه معاویه شریعه را بست و امام

گفتار سوم: احترام به اجساد کشته شدگان و مردگان

در نظام حقوق بین الملل بشردوستانه، دولت‌ها متعهدند که حرمت اجساد کشته شدگان و مردگان را رعایت نمایند مثلاً اگر مطابق مقررات مذهبی و عرفی یکی از طرفین جنگ، کشته شدگان و مردگان باید دفن شوند؛ طرف دیگر نباید اقدام به سوزاندن اجساد نماید حتی اگر این اقدام منطبق با مقررات عرفی و مذهبی آن طرف باشد. با این وجود، شواهدی از موارد نقض این مورد، همچون دیگر مقررات حقوق بشردوستانه، در درگیری‌های بین-المللی و داخلی دیده می‌شود.

بند اول: احترام به اجساد کشته شدگان و مردگان در حقوق بین الملل معاصر

قاعده ۱۱۳- هر یک از طرف‌های درگیری بایستی کلیه تدابیر ممکن را جهت جلوگیری از غارت اجساد به عمل آورد. مثله کردن اجساد ممنوع است.

تعهد و الزام به اتخاذ کلیه تدابیر ممکن جهت جلوگیری از غارت (یا چپاول) اجساد مردگان، نخستین بار در کنوانسیون (۱۰) ۱۹۰۷ لاهه تدوین گردید. و هم اکنون نیز در مواد مختلف کنوانسیون‌های ژنو مندرج است. این قاعده در پروتکل اول الحاقی نیز تحت عنوان کلی «احترام» به اجساد درج گردیده که مفهوم آن جلوگیری از غارت بقایای اجساد مردگان است.

مطابق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ممنوعیت مثله اجساد مردگان در جریان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، در چهارچوب «هتک حرمت و کرامت اشخاص» قرار می‌گیرد که بر اساس عناصر جرم نسبت به اجساد اشخاص نیز اعمال می‌گردد. بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی مثله کردن یا سایر رفتارهای ناشایست نسبت به اجساد را ممنوع اعلام کرده‌اند. همچنین مثله کردن جسد در بسیاری از کشورها جرم تلقی می‌شود. در چندین محاکمه برگزار شده پس از جنگ جهانی دوم، متهمین به اتهام مثله اجساد و آدم‌خواری محکوم گردیدند. ممنوعیت مثله اجساد مردگان در بیانیه‌های رسمی و سایر رویه‌ها نیز مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین ممنوعیت مثله اجساد مردگان در درگیری‌های داخلی در پروتکل دوم الحاقی مقرر شده است. این جرم در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی تحت عنوان کلی جنایت «هتک حرمت کرامت انسانی» آمده است. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است که بر طبق عناصر جرم نسبت به جسد بی‌جان فرد نیز قابل اعمال است. ممنوعیت مزبور در سایر اسناد حقوقی مرتبط با درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز ذکر شده است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۵۹۵-۵۹۲).

توانست با زور آن را تصرف کند از اقدام تلافی جویانه خودداری نمود.

«نصر بن مزاحم» از «عبدالله بن عوف» نقل می‌کند:

ما پس از رسیدن به صفین مشاهده کردیم اصحاب معاویه به سرکردگی «ابوالاعور» شریعه را در تصرف گرفته‌اند. جریان را به امام گزارش کردیم.

امام (ع) «صعصعه بن صوحان» را خواست و به سوی معاویه فرستاد که به او بگوید: ما پیش از صحبت و اتمام حجت نمی‌خواهیم دست به جنگ بزنیم، و بسته شدن شریعه از طرف تو نشانه جنگ است، صعصعه پیام امام (ع) را به معاویه رساند و معاویه با اصحابش مشورت کرد. «ولید بن عقبه» و «عبدالله بن سعید» نظر دادند که باید آنها را از آب منع کرد تا تشنه بمیرند.

ولی عمروعاص گفت: این کار ناپسندی است زیرا شما می‌دانید که علی (ع) مردی نیست که تشنه بماند و شما آب در اختیار داشته باشید، عراقیان و حجازیان همراه او آیند، او همان کسی است که بارها می‌گفت اگر روز نخست چهل نفر یاور داشتیم حق خویش را می‌گرفتیم.

اما معاویه حاضر نشد شریعه را رها کند؛ بلکه به «ابوالاعور» دستور داد کاملاً مواظب شریعه باشد. اینجا بود که امام علیه السلام خطبه مورد بحث را ایراد فرمود. این خطبه آنچنان مهیج بود که سپاه امام به سرعت سپاه معاویه را کنار زدند و شریعه را بدست آوردند.

در اینجا بود که عمروعاص از معاویه پرسید اگر علی با تو همین معامله را انجام دهد چه خواهی کرد؟ آیا تو می‌توانی همچون علی آب را باز ستانی؟

معاویه گفت: این حرف‌ها را بگذار تو درباره علی چه فکر می‌کنی؟

عمروعاص گفت: او مثل تو نیست، علی برای هدفی غیر از آب آمده است.

اصحاب امام علیه‌السلام پیشنهاد کردند تو هم آنها را از آب باز دار.

امام در پاسخ فرمود: (خطبه ۵۱)

«لا، خلوا بینهم و بینه لا افعل ما فعله الجاهلون سنعرض علیهم کتاب‌الله و ندعوهم الی الهدی فان اجابوا و الافی حد السیف ما یعنی انشاء الله»

«نه، آنها را آزاد بگذارید. من کار جاهلان را انجام نمیدهم. ما کتاب خدا را به آنها عرضه میداریم و آنان را براه هدایت دعوت می‌کنیم اگر پذیرفتند چه بهتر و گرنه برندگی شمشیر، ما را بخواست خدا بی‌نیاز خواهد کرد.» (نهج البلاغه، ۱۳۷۷: ۳۶۳-۳۶۲)

بند دوم: احترام به اجساد کشته شدگان و مردگان در نهج البلاغه

امام علی (ع) در نامه ۴۷ نهج البلاغه - که در زمهری وصایای امام به حسن و امام حسین (ع) قرار می‌گیرد در هنگامی که ابن ملجم ملعون آن حضرت را ضربت زد - چنین می‌فرماید:

« انظروا إذا أنا متُّ من ضربته هذه، فأضربوه ضربته بضربه، ولا يُمَثَّلُ بِالرَّجُلِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: "إِيَّاكُمْ وَالْمُثَلَّةَ (۴) وَلَوْ بِالْكَلْبِ الْعُقُورِ"».

«بنگرید! هر گاه من از این ضربت جهان را بدرود گفتم او را تنها یک ضربت بزنید، تا ضربتی در برابر ضربتی باشد، این مرد را مثله نکنید (گوش و بینی و اعضاء او را نبرید) که من از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود:

« از مثله کردن پرهیزید گر چه نسبت به سگ گزنده باشد»

نتیجه گیری

در نظام حقوق بین‌الملل معاصر نیز هر دولتی متعهد به رعایت حقوق بنیادین بشردوستانه دانسته می‌شود اما تفاوت نظام حقوق اسلامی و حقوق بین‌الملل معاصر در این نکته مهم است که در نظام اخیر، طرف تعهد در رعایت حقوق بشردوستانه، جامعه بین‌المللی است اما در نظام حقوق اسلامی، این تعهد در برابر خداوند نیز وجود دارد و به انجام آن تعهد باید به عنوان تکلیف در برابر معبود نگریسته شود. بدیهی است چنین رویکردی به تعهدات حقوقی، ضمانت اجرای مضاعفی در تأمین مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه فراهم می‌آورد.

تعالیم اسلامی در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه در ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر اسلامی منعکس شده است. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «در حالت جنگ و نزاع‌های مسلحانه کشتن کسانی که در جنگ و نزاع شرکت نکرده‌اند، جایز نیست مانند کهنسالان و زنان و کودکان. مجروح و مریض حق دارند که معالجه شوند و اسیر حق دارد که اطعام شود و مسکن و پوشاک داشته باشد، مثله کردن کشته‌شدگان حرام است و تبادل اسیران و دیدار و اجتماع خانواده‌هایی که موقعیت‌های جنگی آنان را از یکدیگر جدا کرده است، جایز است؛ به مقتضای حکم شرع».

نگاهی به گفتار و کردار امام علی (ع) در نهج البلاغه نشان از این واقعیت دارد که آن امام بزرگوار به دقت بر رعایت اصولی تأکید دارد که تنها در سده‌ی اخیر به عنوان اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط دولت‌ها پذیرفته شده و در اسناد بین‌المللی منعکس شده است، هر چند که همچنان در برخی جنگ‌ها و درگیری‌ها، شاهد نقض عملی آن مقررات هستیم.

منابع

ساعد، حقوق بشردوستانه در درگیری مسلحانه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول.

مسائلی محمود (۱۳۷۱)، عالیه ارفعی، حقوق جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.

مولایی یوسف (۱۳۸۴) حاکمیت و حقوق بین‌الملل، نشر علم، چاپ اول.

والاس ربکا (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل، مترجم: سید قاسم زمانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.

نگوین کک دین (۱۳۸۳)، پاتریک دیبه و آلن بله، حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.

هنکرتز ژان ماری و لوئیس دوسوالدبک (۱۳۸۷)، حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ترجمه‌ی دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: نشر مجد

آشتیانی محمدرضا، محمدجعفر امامی (۱۳۷۷)، نهج البلاغه، ناشر مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، چاپ یازدهم.

آکهرست مایکل (۱۳۷۲)، کلیات نوین حقوق بین‌الملل، ترجمه‌ی دکتر مهربان داراب‌پور، انتشارات جهان معاصر، چاپ اول.

ایسن نات (۱۳۸۷)، «رزمندگان و غیررزمندگان»، تدوین کننده: فلک دیتز، مترجم: سید قاسم زمانی، نادر ساعد، حقوق بشردوستانه در درگیری مسلحانه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول.

حسینی سیدابراهیم (۱۳۸۲)، اصل منع توسل به زور و موارد استثنای آن در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر، پژوهشکده فرهنگ و معارف، چاپ اول.

رابوس والتر (۱۳۸۷)، «حمایت از مجروحان، بیماران و کشتی شکسته-ها» تدوین کننده: فلک دیتز، مترجم: سید قاسم زمانی، نادر ساعد، حقوق بشردوستانه در درگیری مسلحانه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول.

روسو ژان ژاک (۱۳۴۸)، قرارداد اجتماعی، مترجم: منوچهر کیا، انتشارات دریا.

شریفی طرازکوهی حسین (۱۳۷۵)، حقوق جنگ، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین، چاپ اول.

صابری هنگامه (۱۳۷۸)، ضمانت اجرا در حقوق بشردوستانه، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

فلک دیتز (۱۳۸۷)، مترجم: سید قاسم زمانی، نادر ساعد، حقوق بشردوستانه در درگیری مسلحانه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول.

فیشر هورست (۱۳۸۷)، «حمایت از اسیران جنگی»، تدوین کننده: فلک دیتز، مترجم: سید قاسم زمانی، نادر ساعد، حقوق بشردوستانه در درگیری مسلحانه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول.

۱۳۸۷

گرین وود کریستوفر (۱۳۸۷) «سیر تحول تاریخی و مبنای حقوق بشردوستانه»، تدوین کننده: فلک دیتز، مترجم: سید قاسم زمانی، نادر